

افکار عاقله ^{دنیا} خیل با ما همراه و نسبت با آنها بر آشفتگی است اگر خودمان
ست نیایم شاید تا حدی جلوگیری بعمل بیاید زیاد عرضی
نیت فرمودیم در این باره ادب قلبی صمیمی و صمیمی قدیم حسن تقی زاده

طهران

خدمت جناب آقای حکیم الملک ^{مد ظله}
شرف و وصول پذیرد

این مکتوب تماماً محرمانه است

جدان ملاحظه پاره نمایند

دوست عزیز محترم و بواده مکرم من! قربان قلب پاکت گروم بعد از

تقدیم سلام خالصانه و حبیبیه برادرانه عرض حضور مبارک میدارد امیدوارم
انت و الله نراج مبارک عالی در کمال استقامت بوده با کمال غیرت و فعالیت و عشق
اصلاحات مشغول انجام امورات مروجیه و سعی در نیابت وطن مستید و از کثرت
اشتغال تنقیدی از دوستان مجبور و بادی از غلصان جور افتاده نمی فرمائید غرض نیز که
عذر قصورم واضح است تراکم محن و آلام و تاثیرات روحیه عمیق فوق العاده است
و ارده بکلی بند را از وظایف انسانی و ادای تکالیف محسوس باز گذاشته
و ساقط نمود شهادت همون معصوم عزیز نارنجی که علاقه روحیه فوق العاده
بداد داشتیم مخلص را تمام کرد و خصوصاً مسامحه دوستان و ملاحظاتی غیر موجب

اولیای امور و مجازات قتل او در این مدت با وجود نهایت اشتیاق و
کمال لزوم تذکار و عرض بعضی مطالب نتوانستم و لیکن بعضی برسانم ولی هر قدر توانستم
از خارج بقدر امکان و بیشتر از قوه خودم در پیشرفت و استقامت امر حضرتعالی و کاپیتان حاضر
کوشیدم و قلم و قلم و لساناً در راه استوار ساختن تکیه گاه آزادی لبان مجاهدت
و افیه کرد و بجای آذربایجان را از انجمن و ملت و مجاهدین و اصناف و جمعیتها و جوانان
اینها طرقدار و حامی کاپیتان و استوفا اما ملک نموده ام به طهران در تقویت شما و کاپیتان

بقدر مقدور کاتبه کردم و گویا بی تاثیر نشد چنانکه در موقع اختلاف منجوسی که میان
کاپنه و سردار اسعد بدجخانه افتاده بود و یکی از خطبای خیلی بزرگ کاپنه بود (زیرا اگرچه
تقصیر در مشارالیه بود کاپنه حاضر در موقع حالیه که هیچ قوه فعلی بخوبنیتیاری صادق
ندارد برای سائل خونیته نمی بایست سردار را بر بخانند یا طرفداری صلاح اندیشانه از صولت
الدوله خبیث که رحیم خان جنوب است نماید) سه مکتوب متوالی به سردار اسعد و کتاده
با عجز کتابت فوق العاده و نهایت بطو قلم که دارم و میدانید صفحاتی نوشته و اوراق قدری
ملا میتر کردم در خصوص ضدیت و کلامی خاکسان با جناب عالی نیز با آنها کاتبیت نصیحت
آمیز کردم و نوشتم و امیدوارم نتیجه دهد لکن چون خود را محسوس صادق بی ریا و اولین
محب حضرتعالی میدانم و شایانکه محیی و روح این کاپنه میدانم که برفتت آن غیر و سمت
آن کاپنه میرود و از درستی عمل در آن باید نالو کسی شد نیست که از او جب و اجبات
و حیل لازم میدانم که شایعات متواتر و متوالیه که در قصورات و نواقص منسوب به کار
حضرتعالی منتشر است مسامح مبارک خودتان بی رودرو اسی برسانم اگر چه بنده خود
بیک کلمه آن معتقد بلکه شاکر نیز نبوده و لو کشف الغطاء ما از دست یقینا
حقه مهر بد آن نام و نشاست که بود و معلومست که حضرتعالی همه را در یک کلمه عجب است
(در وقت ناشی از اغراض است) رذخو امید فرمود لکن و قتیکه انتشارات از
حد گذشت و اقاریر زیاد شد انسان باید بکفوری م فکر نکند و کلام را قاضی نماید که آیا
چه شد است که با این عظمت در اعمال این اسنادات شکایات بالا میگیرد و قدری

اطرافیان خویش نظر افکند و عوض آنکه با تبدیل هزار آئینه نسبت عیب را بآئینه
 دهد قدری م بصورت خویش متوجه گردد (از این تعبیر غدر میخواهم) پس عرض میکنم
 که با آن انتظار فعالیت فوق العاده که از کاپنه در بدو تشکیل بود بدخترانه نتیجه ظاهر
 نگشت سببست بالعکس امید واری روز بروز بواسطه کستی هیئت وزراء در
 اجرائیات و تعجیل در اصلاحات کم شده خصوصاً نسبت بحضرتعالی شمس از همان
 هفته اول شکایت و ایراد از عدم فعالیت شروع شد و هر روز عوضی اصلاح
 افکار عمومی بالا گرفت تا این اواخر بدرجه قصودی رسیده و بلا اغراق از ورود بنده
 به تبریز در پنجاه فقره مکتوبیکه از هر قبیل اشخاص بمن رسیده در اغلب آن شکایت مذکور
 بر تعبیرات مختلف موجود است و اطمینان میدهم جنابعالیرا که اغلب آنها بیغرضی و از
 موافقان آن موجود مبارکست و همه بک زبان شکایت از عدم فعالیت و اهمال بی نیاز
 و امتحان بد دادن و ستوفی بازی و عدم اهتمام در اصلاحات و غیره جنابعالی غفور
 و از قواب خیلی تعریف میکنند حالانکه میدانم سترکار کجاست درستی و نراست
 عالی مانع از غایبش دادن رژیان خویش لباسی یا کارهای دیگر . . . است ولی
 خبر چون کار شما یعنی وزارت پارلمانی مقتضای آن جلب افراد و کلا و اهتمام در حفظ
 کاپنه و اسکات مخالف و مباحثات طویل و غایبی دادن اصلاحات فوری است
 که با اصطلاح و عقیده شما جناب نواب محبت غریز خودمان شارلانی میکنند با
 شام مان کار را بکنید اگر چه کار میکند حضرتعالی نیز خواب و غوراک را بر خود حوا
 ناید قربان خصائل ملکوتیت کردم اگر در جواب همه این کارها بگوئید هیچ چیز

مخالف اخلاقی از مشارکات و انترگرید و تعلق بوظایف و مساعدت در رفتار
 با مردم در تقاضای ناحقشان و غیره نمیکند و از وزارت هم دست بر میدارم و عین
 میکنم راست است که مخالف *virtue* و *morale* نباید قدمی برداشت
 از آنطرف دیپلماسی موافق صحت علم در دنیا موجود است مثلاً بعضی غایبها از کار
 خودتان و اصلاحات خود هیچ عیبی ندارد چون کنار کشیدن شما باعث شکست
 کابینه و طغیان دشمنان است و اگر این کابینه برود همه چیز ما رفته و امید اصلاحات
 و حفظ استقلال محو شده شما نه تنها مثل یک وزیر عاقلی استقلال و سلطه خود بلکه
 مثل یک فرد ملت حامی استقلال و یک فرد دگرات حامی کابینه حاضر باید در
 راه حفظ این کابینه بروید و هر خواست بر خدا کاری و خود کنشی است هر
 جانبشانی و تفانی و استهلاک است بکشید و نگذارید اقلان تا بحال
 این کابینه بیاهند و با هر گونه وسائل شروع و جهاد و جبهه فوق العاده و قبول
 رنج و زندگی و تا یکماه و صوماه کسان روز ۸ ساعت تمام با فعالیت تمام کار کردن
 و بیشتر شرا صرف اصلاحات حقیقیه در مالیه و پرورش های خوب و شروعات همه و
 رفورم های عمده در مرکز و ولایات و کادکتر و غیره و عجله در جلب مشارکات باید نمود
 و یک قسمت دیگر را مشغول دیدن و طلاء و جلب آنها و نقل اصلاحاتیرا که دست نداده
 و مشغول آید بشرح و بسط و تشویق و امیدواری بآنها که از دلشان نیاید کابینه را
 هم زده آن نقشه و طرح را ناقص گذارند مثلاً خیلی لازمست که جناب عالی هر خواست

توسط رفقای خودمان با سوز ملک و ولای خویشان کرم بگیرد و او را جلب کند
نکند اید اینقدر برخیزد خواه بحق خواه بناحق که یقین است در صورتیکه سوز الملک
کنی کارکنان مادر مجلس است و اگر چه دملکات نیست لکن از دوستان است و
دشمن نیست وطن پرست هم هست البته هر دو پیدا است و لو با عاشرات
با بعضی مقاصدشان که غیر سفر است آنها را جلب و جذب کنید حامی خود نمایند و بفرستند
استحکام و ترقی و قدرت و مقبولیت عامه و حسن شهرت کاپنه حاضر و خود حاضر
شما شخصاً در چند فقره ذیل است نه در دیدن این و آن و اتحاد با عمر و زید و حوندی
و تکثیر عدد حامیان یا ملائمتها یعنی با مردم که همه باینجه عکس میدهند که این فقرات
را بعضی اعتماد به الحف مخصوص عالی و یگانگی که درین است بی پرد و عرض می کنم و امید عفو
از کرم عالی دارم و با اعتقاد خودم خدمت میکنم زیرا حقیقتاً باید واضح بگویم که از
جنا بعالی خیلی خیلی شکایت می اندازند دارند و عنقریب خدای خواسته منجر به توهمین
می شود و خیلی از طرفداران شما از شما برشته اند و صراحتاً عرض میکنم که باید اقدامی در
اصلاح این امور بنمایند اما اقدام جدی بلی آنچه بعقل ناقص من میرسد من می نویسم
ولی باید خود سفر تعالی این را کافی ندانسته بعد از ملاحظه این عریضه جان نثارانه
چند نفر از دوستان مجلس را از قبیل و حید الملک و سلیمان برزا و سوز الملک و آتشین
ابراهم و مختصر السلطان و غیرهم صدا کرده حق و ناحق به شکایات آنها و ایرادات
و ملاحظاتی که بدون جلوگیری و رودرواسی کوشی کرده به نصایح دوستان عطف
توجه و امضای سمح و بذل التفات فرمایند و اغلب اینها را به پند و صحبت کنید و هم پنی
محضاً از جناب صدیق حضرت دوست خودمان و ارباب کینجیرو و فیم الملک

در اصلاحات استشاره فرمایند و اگر چنانچه بر فواید ایشان عمل نیز نموده امید کرد این کار عیب
ندارد اینک فتوات مروضه را بر تئیب عرضه میدارم :

اول جعفر فوق العاده است در اصلاحات اداره داخلی خود که چنانچه به تجربه دید ایم حسن شهرت
هر کسی در فعالیت در صدی خود از زمین است که بیشتر اوقات شبانه روزی خود را بشخصه
و بدقت فوق العاده و قبول رحمت و فعله کی شخصی صرف اصلاحات و تنظیمات و حسن ترتیب
و اخذ سبک اروپائی و ترجمه کتب و یاد گرفتن از دیگران و جمع تمام متخصصین آن فن
در ایران از ونگی و ایرانی بنه کاره و تمام کاره با دارن خود مواظبت شخصی در بکار انداختن
آنها کار کردن در اداره روزی ۱۵ ساعت عدم دخالت زیاد در ضمیمه
و حمایت های شخصی و کناره گیری از مسائل جاریه حتی الاسکان سرو صورت ظاهری دادن
به کار دست زدن و شروع کردن بکارهایی که و کلاه و مردم حیفاشان بیاید که بواسطه
غزل آن وزیر آن کار ناقص و مختل باند **ماشیات** با مردم و منفذ **در امور**
بخونیه و غیره همه برای عدم تکثیر دشمنی و سقط نشدن مقاصد حسنه

ثانیاً سعی دائمی وافی در جلب ارزشیت و کلاه بوسائل ایرانی از تحارف و در محبت و
تجید و تعریفشان حضوراً و غیاباً و تحسین و نقل اصلاحات اداری بآنها و خیالات عالیه
بد آنها و مخصوصاً ملاقات زیاد و جلب سردسته ها از قبیل **مغور الملک** و **محمد ششم** میرزا
و حسنعلی خان و دکتر علیخان و میرزا محمد صادق و شوقی الملک با شخصی
ثالثاً مداخله بوسیله جراید و ملک مادی و معنوی به جراید حامی کا پنه مثل ایران نو و غیره و جلب
هر روزنامه خبر بواسطه جوئی محبت و جوئی امانت مالی خودش یا پیدا کردن یک کار برای او و
و ادار کردن دکتر حسینی خان کمال بجا و نیت کا پنه

و اجتماعاً نگاهداری کلی و حمایت و اتحاد و جلب و گرم گرفتن و یگانگی با سردار اسعد و عموم

خوابی بخیناری که قوه منصرف بود و تکیه گاه حقیقی آزادی ملایان و حریت پرستان است
که این قوه خیلی خیلی مهم است و سابقا کاپنه در این باب ضبط کلی نمود و خصوصا خواهش
مندم که جناب عالی شخصا ماموریت و اتحاد زیاد فوق العاده با او بکنید و ملاقات او را هر
روزه یا اقل هر روز یکی دو ساعت از واجبات هفتگی کار خود و فرائض یومیه تان بکنید
و قطعاً با او گرم بگیرید و عقایدش را اصلاح نمایند (اما در مسائل خارجی تابع رای او نباشید)
خاصاً در استخدام اشخاص عالم بفنون مالیه سعی کنید و از همه پیشتر جد کافی در تحویل
و رود مستشاران بپهران که هر طور است تا او آخر جدی یعنی دو ماه بچید ماند، برسند و اینه
یا مطالعات لازمه را نمود. از اول سال نو دست بکار شوند و الا قدری اگر بنا بر افتد
شروع بکارشان به اول سال دیگر خواهد ماند و در وسط سال دست بکار خواهند
رفت و تا یک سال و نیم دیگر این مملکت را بدون اصلاحات امید بقا نیست
هم چنین باید هر چه زودتر در جلب مستخدمین نظام پیشتر از سایر ادارات جد کرده و
عجله نمود یک مطلبی هم اینجا بنظم آمد که عرض کنم مسیو دکران نام ارمنی است
که تحصیلات اکونومیک و کسبیا ل خود را پیرا سال در سوئد تمام کرده و به تبریز آمده
است و بنده بمناسبت اطلاعی که از وطن پرستی و زیرکی و فعالیت او داشتم
پارسال با وثوق الدوله صحبت استخدام او را در طهران در وزارت مالیه نمودم
مشارایه بمن اکیداً قول داد که او را به طهران جلب نموده و با و کار خوب بدهد بلکه تشکر
هم از این بابت یعنی پیدا کردن اشخاص عالم کافی نمود بنده به مسیو دکران نوشتم به طهران
بیاید که حسب الوعد وزیر مشغول کار شود ولی حکمت مشارایه بواسطه عدم
مهمه که در تبریز داشت بطول انجامید تا کاپنه عرض شد انیک عازم طهران شده و الآن

در آنجا است مشارالیه آدم با علم فعال خیلی زیرک است و خدماتی هم بجاری
آذربایجان کرد. از اعضای عده (جمعیت فشر معارف آذربایجان) **گروه** بود
و خیلی وطن پرست است و هیچ وجه آثار ملت پرستی در او نیست بسیار عاشق
ترقی ایران و خدمت بد آنست خواهش مندم البته در حق او فوراً توجهی فرمود
و کاری در آن اداره با و بدهید که قابل از عده در آمدن هر کار مهمی است
و هم چنین یکی از کارهای مهم جنابعالی مسئله معاون وزارت و تبدیل آنست
که در این باب خیلی مسامحه شده و محرمانه عرض میکنم گمان اینست هر چه بشخص جناب
اجل عالی آید از این اشاعات و تفسیحات قیمت همتش از طرف معاون است
که دلش با وزیر سابق است و تحریکات او هم کارها را خواب هم ضایع جلوه میدهد و
شاید تفتین میکند در صورتیکه قرار ما بر این بود که فوراً حضرتعالی از باب **بخیر و راب**
معاونت اختیار فرمائید و اگر بفرمائید راضی نشد باید سعی کنید که هر طور است رخصت
فرمائید و با بقای در و کالت **کم** محذور عده مشارالیه است) و خدمت بجایوت به شما
ملک کند و اگر بعد از عهده جور اصرار و ابرام خودتان و لوگتان و مرنوع خبرها
نشد آنگاه باید یک شخص دیگر مثل عیسی خان بهاءالملکی و غیره بگیرید و بپیدا کنید
سادساً سعی زیاد در تنظیم فوری نظام و اصلاحات نظامی در تمام ایران و آن چنانی شود
که وزارت مالیه مساعدت کامل از وزارت جنگ کرد. **پشتربول** و عایدات ملک را
در صدی شصت و هفتاد صرف آن وزارت خانه نماید و **کاپنه** متحداً در تقویت و ترقی نظام
در تمام ایران جد کند و بد بختانه شنیده می شود که وزیر جنگ با حضرتعالی بد رفتاری می کند
و این خیلی اسباب **تاسف** است زیرا که اتحاد **کاپنه** و **افرا** هیئت وزراء با هم از (از)

لوازم و ضرورتی چیزهاست و باید دست به دیگر داده بر نوعیست تا سال آمله
 این کاپنه را حفظ کرد و در راه حفظ آن جانفشانی نمود افسوس که بدبختانه می شنویم
 کم مانده است بدترین مخلوقات خدا دشمنان ملت ~~مملکت~~ داخل کاپنه شوند
 و عجب آنست که تا حال وزارت داخله و علوم بی وزیر مانده و خدا نخواسته
 خواهند مستشار یا ممتاز را داخل کاپنه نمایند البته باید با تمام قوی از این کار جلوگیری
 نموده و نگذارید هم چو کای بشود بلکه خود مستوفی الممالک را وادارید که اگر کسی برای داخل
 پیدا نشد شخصاً اداره کند و وحید الملک یا یکی دیگر مثل او را مثلاً میرزا سید ولی الله خان
 و غیره به علوم تعیین کنید و در هر صورت نگذارید کاپنه غیر متجانس شده از مائل و
 توافق بیافته

سابعاً و بالاخره که مهم ترین همه موضوعات استجد کالی و سعی زیاد در پیدا کردن مبلغ پول
 یعنی اقلانج و شش کور تومان از استقراض خارجی و از جای صحیح غیر سفر و اگر این کار نشود
 بنظر مخلص تمام راه پرو زحمت و خوفناک دید بهبود است و اول ~~مملکت~~ کاپنه و پسر کشی
 مملکت می رود البته باید همه جور مساعی و اضیافه را در انجام این کار مبطل آورده نتیجه ~~خوبه~~
 و صحیحی بگیرد و برای این مطلب نقشه ها و پروژه ها چندی از سابق بود که باید بازمانده
 را تعقیب نمود مثل سلفه کوئی و غیره و برای حصول این مقصود اول باید حساب
 جاری یا قرض قرض زلزله را بانک روسی که قریب ده کور است با تنزلی
 صدی پنج که سفارت روس در مقابل گذراندن عمل پوست بره مطابق میل آنها که بمل
 آمد صریحاً به وثوق الدوله داده ثابت یا ~~غدا~~ *consolidated* نمود که آنوقت

حق صریح و محکم قرصی از همه جا خواهم داشت مطابق یادداشت افتم آوریل و لغتین روی
 و انگلیسی و پیش از این کار قرص خارجی مشکل است و باید البته تنزیل را در صد پنج
 داد. زیاد تر قبول نمود و بعد دست چپکی از مسائلی که سابقاً در کمیسیون خارجه
 بود زده مثل مسئله ولف انگلیسی و رفیقش آسبورن که حالا در طهران است
 و محل دادن عایدات نفت جنوب در مقابل بانفد زار لیره انگلیسی و انجام عمل چهار
 میلیون لیره انگلیسی در مقابل یک محل غنی دیگر با همان سندیگات یا مسئله هست
 پنجاه میلیون فرانک تکلیف سیو کو حق غایبه بانگهای فرانسه که اولی راضیع الدوله
 و هونی را حسنعلی خان و مؤتمن الملک کاملاً میداند یا تکلیف مستر مور که حالا در
 طهران مخبر تمیس شده که شاید آسانترین وجه باشد یا مسئله زردشتیان
 اند و تکلیف شیخ حسن تبریزی که اسداله برنستخفر است یا قصه زردشتیان لندن
 و تکلیف ارباب کخیرو یا تکلیف ده میلیون فرانک متاز السلطه در مقابل صد هزار
 تومان قطس لیانه از ضرابخانه یا فروختن جواهر و صرف وجه آن یا تشکیل یک بانک ملی از
 قیمت جواهرات موافق نقشه طومانیا نس که در سال اول بیست کرور بدولت
 قرص میدهد که خیلی طرح خوبی است و مؤتمن الملک سهوق است و هم چنین آوردن
 مستر اپنومدیر سابق بانک شاه برای تشکیل بانک یا اداره استقراضی داخلی
 و خالصه جات یا فروختن هوا ب و ایلمنی و چارپایان دیوانه از شرخانه و قمار
 خانه و غیره یا آزاد کردن شیلات ازلی و تلکرافخانه و پستخانه و از رهنی به تریبی که
 به عزز الملک نوشته ام و محل دادن آنها بدگری در مقابل یک قرص خوب و آوردن

۱۱
کلیت مدیر کل و یکی و نفر اجزاء و رنگی قابل هر یک از تکر افغانه و پستانه و تذکره
که پس از رفورم و اصلاح و رنگی قریب و کرو نقد دخل سالیه خواهد داشت
در مقابل سیصد تا چهار صد هزار تومان دخل حالیه سه اداره و هم چنین دادن روم
ثلثه و تک بدست و رنگی تا الخ امروز حفظ استقلال ایران بسته

به پید کردن پول و جلب مشارک است
و گیر از کارهای لازم بلکه فریخته ذمه هر وطن پرستی مذاکره جدی در عودت قشون روسی است
که یکی از کارهای نمایان است که نفوذ کاپنه را خیلی محکم و صد برابر زیاد میکند
و حق دیگر اینست که بواسطه حکم تنصیف حقوق دیوانی یعنی ثومان پنج هزار دادن حقوق
مستمری خورهای آذربایجان قدسی نارضايت در اینجا است و بعضی اجتماعات دارند
بنظر بنده میرسد که چون خیلی از فقراء و زنهار و سادات و روحه خوان و غیره در این اوضاع
سیاسی لشکر اند و اغلب کمتر از سی چهل تا هفت هشت تومان مستمری دارند لهذا
اگر اصلاح بدانند و ممکن باشد یک حکمی بدهند که از پنجاه تومان کمتر را تمام و ثومان ثوبا
بدهند تا قسمت غالب شاکیان متفرق و دعا گو شده و باقی جوشت نفس کشیدن نداشته
باشند اگر مناسبت بدانند تکرانی در این باب به انجمن ایالتی بکنند شاید حسن تاثیر
داشته باشد و اگر صلاح نباشد نکنند

و حق دیگر مسئله حاجی ابراهیم خلیل تا جو تبریزی است که قریب هزار و شصت تومان
از رحیم خان چلبیانلو طلب دارد یعنی طلب تجارقی و عدلیه حکم کرده که از محصول
املاک ضبط شده او بدهند و حالا بسته به توجه مخصوص جناب عالی است تفصیل
را بجناب آقا میرزا محمد علی خان ترجمیت نوشته ام عرض خدمت خواهد کرد اگر در آن
باب مرحتی در صورت امکان بفرمانند اسباب امتنان مخصوصی خواهد شد

مطلب دیگر فقره خواجی رشت و یاغیگری صریح آنجا است و از قراریکه حرمانه شنیده ام
متر دین آنجا یعنی دسته برادران مغز السلطان مثل زمان استبداد صغیر که در حکومت
آبالا خان سردار خفیانده کم کم از باکو مجاهدین و الواط آورد، در رشت مخفی کرده سلاح
و بمب جمع میکردند و یکمرتبه خروج کردند حالا نیز از باکو الواط و مجاهد میاورند که
آنجا مخفی کرده فتنه بلند نمایند باید خیلی مواظب باشید و هر چه زودتر استعداد و حاکم
برای آنجا برسانید و الا چوپر شد شاید گذشته بی پیل البته در محاسن وزراء
این مطلب را عنوان فرمائید و قرار قطعی در این کار بگذارید

در مسئله سردار اسعد فراموشی کردم که بگویم سردار اسعد در مکتوبیکه سابقا
بن نوشته بود از عدم فعالیت و سستی کا پنه شکایت کرده و خیلی اظهار دلشنگی
کرده بود ملاحظه کردم حق دارد و حق بجانب اوست اگر چه غرض منم داشته باشد
عرفش راست بوده و نوشته بود مثلا که خیلی بدایت و رتبه و استخاره کاری کنند
و غیر ولی این مطلب را ابراز نمائید حرمانه باشد بهر حال عقیده من اینست که همه روز

او را به بنید و ملاقات فرمود. رسته اش را در دست نگا مدارید و اصلاح کنید
وزارت علوم را هم خالی نگذارید و با وزارت جنگ نظام هر قدر می توانید
فرمائید نه با شخص وزیر

مطلب دیگر راجع به وضع آذربایجان است که خیلی حرمانه به حضور عالی عرض میکنم خیالات
مخبر السلطنه خیلی خیلی بد و فاسد است و کبیس دیگر نمی توانم بگویم و یا بنویسم که سارا این خیال
یاغیگری و استقلال دارد در جلب نفوس آذربایجان و سران طوایف و عیار بر به شخص خودش
و ضدیت با هر کسفری که تکیه مطلق و عبودیت از او نکند و نهیه قوا و تفنگ و ذخیره بگذارد

و غیره و تنفیر قلوب عاقله از محنت و اولیای طهران و مجلس و ترغیب بکستقلال آذربایجان
و کم کم نفوذ در ادارات و مخصوصاً تصاحب مالیه آذربایجان و باز کردن دست خود را کاملاً
بدل مانع در مالیه حتی ضبط کمالات و تذکره و تلگرافخانه و پستخانه و رسومات و تریاک و غیره
که بتواند مردم را کاملاً تابع خود کند و تحریک مردم بر علیه طهران بکوشد و شب و روز
آرام ندارد یکدسته از تجار را تحریک کرده و با آنها ساخته و جور صنعت بآنها
و هر وقت می خواهد باسم ملت بر مطلبی آنها را تحریک و وادار دارد بار و سهام این اواخر
اصلاح کرده و خیلی ساخته و عده مقصودش که تمام قوای خود را صرف آن میکرد و
میخواست تمام عالم را در راه حصول آن بهم بزند و شهر را اعتشاش غایب غول فتح
محمده السلطنه بود بران آنکه کنشی در پهل آزاد بوده و سه چهارم مالیه آذربایجان
را تصاحب کرده یکی از مخلوقات و بندگانش مثل شیر و فتر پیروز و اعتمادالدوله و غیره
بسپارد و به بختانه بغول معتمد السلطنه از کسبی و زرمحاوران موفق شد که
این یک ضبط بزرگی بود و اگر بجای او مستقیماً یک رئیس مالیه یا کنعان قوی سختی که
تسیم خواستات بجز نشود بنویسد شاید این ضبط تعمیر شود اگر چه مشالیه باز باها
بیز خدمتیت خواهد کرد و تحریکات خواهد نمود و اصلاً مقصودش با تمام نیست
که وقتی که از رئیس مالیه پهل می خواهد مشالیه به طهران خبر نداد و اجازه نخواهد
داده است که من متصل این شکایت را می شنوم که همه گناه معتمد السلطنه نیز
بجز حفظ دیسپلین و اطاعت طهران چیزی نبود (اگر چه در او ایل اعتمادش با ثقه الاسلام)
و ندادن حقوق مردم بجز توسط او برای تعویب و ترویح او کم گناه و فرغ خود مردم چنین شد

با ترتیبات جدید و غیره) و البته باید یک رئیس مالیه کافی مستقل از طهران بفرستید
 که با این خبیث تقاومت کند و طبع مرکز باشد اگر چه می ترسم در همین ایام فترت و
 تا رسیدن رئیس مالیه تازه خیلی حیف و میل می و یک کرور این طرف و آن طرف بکند
 انجن ایالتی هم بجای مرعوب مخبر قلی است که چه عرض کنم هر خارجی را بفروشد فوراً تصویب
 می شود و در حاشیه بش عبارت توریه آمیز (ایالت می گوید که این خارج پرداخته شده)
 تصدیق ظاهری میکند و می گویند خیر ما تصویب نکردیم در طهران باید عبارت ما را ملتفت
 شوند و همیشه بن گفته اند اعضای انجنی که امانت به طهران بنویسید این تصدیق ظاهر
 ما را اعتنا نکردند و در کار خودشان وقت نمایند اما چه فایده که مستقل
 کار میگذرد و مشا رالیه یعنی پادشاه آذربایجان دخل و تقلبات خود را می نماید اما چه
 دخلی و ابداً خیال حکومت از اینجا ندارد و لو اجتماعت انجنی و الائی و خودش شخصاً گفته
 که من از اینجا غیروم پیش از آنکه خونها ریخته و صد آدم کشته شود با نفع الاسلام
 آشتی کرد و متحد شد بصیر السلطنه هم حلبی و رئیس و محرم خلوت شبانه روزی مخبر
 السلطنه و قونسول روسی است ~~تجار و اهل بازار را آلت دست خود~~
 نمود تا یک نفر حریفی میزند که مخالف سلیشی فوراً در یک ساعت استار به تجارت کرد
 مثل سپهدار که حاجی محمد تقی بنکدار و میرزا حاجی آبراز حاجی ابراهیم و ارشاد ابر خدا و
 می شورانده و حاجی محمد تقی بنکدار تبریز بلکه سید عبداله بهبهانی بش یکتاجری موصوف
 به رحیم آقازوینی است و در حقیقت بز هفت مشت نفوذ با مشا رالیه نیستند مکنی بام
 ملت در تلگرافخانه حرف میزنند و شهر را هم یک اندازه اغتشاش می کنند پس اگر
 دولت قدرت خود را در این ولایت میخواهد باید هر چه زودتر یک روحانی بام

بنیادش بسوز و غیره با استعداد کافی بد اینجا فرستاده آنوقت از اینجا بجزرا بند پرتاب
کند و الا مثل امیر مکرّم و غیره علم مخالفت و یا غیبری شاید بلند نماید
این مطالب را خیلی خیلی حیرانانه بنمایا بجا می نویسم و اگر کسی خوشی آشکار شود که بند
نوشته ام فوراً اینجا بازار را بسته و مرا تنبیع می کند و در کلیه مطالب دیگر هم
عوضی می کنم که مکتوب با حدی از دوستانم و وزراء نشان ندیدید منتها بعضی از مطالب
آنها شفا نام به نواب و ستوفی الممالک بفرمایند

عوضی دیگر و آخری استدعای توجه مخصوص است در مجازات قتلّه هو جوان شهید که
بنام دوستی قدیم و انسانیت پرستی از حفر تعالی التماس می کنم که بعد حقیقی و کیفری
واقعی پیش از آنکه کاپنه از میان برود و این خون ناحق هم از میان رفته باشد بفرمایند
یعنی نگذارید ماه شوال تمام شود پیش از آنکه این کار انجام نگرفته باشد و واقعاً اگر

مباحثه یا ملاحظه این مطلب تبعوی افتد فحاصی از همه چیز دنیا مایوس شده و از
زندگانی تلخ و تاریک خود دسرد می شوم هم چنین محفوظاً خواهم شنیدم که به آفاق
نواب از قول بند و خودتان تاکید زیاد در امر محاکمه و مجازات نوروز و وف نوبه
عریفه را با ادعیه خالصانه بر مزید توفیقات و غرات و اقبال و هوام شوکت و امداد
آذات مقدسی و شکست و برادر عزیز خودم ختم می کنم قربانت فدوی
و مخلص صمیمی قدیمی شما

س. ح. ح. ققی نهاده

فراگوشی کردم عرض کنم در خصوص ترتیب و تنظیم بودجه که یکی از ایرادات
بزرگ ما برکات پنهان سابقه بود حضرت عالی مسامحه روا ندارید و هر طور است یک
بودجه قناعتکارانه که خارج دربار سلطنت در آن از ۱۵۰ هزار تومان و نیابت
سلطنت از ۵۰ هزار تومان و عدلیه تمام ایران از یک کرو در پشتر نه باشد مثلاً
با صورت عایدات دولت مثل بودجه عثمانی که در طهران نسخه اشی موجود است
ترتیب بهمید و به مجلس پیشنهاد کنید که این هم از اتم امور مملکت و در
درجه اولی است از وجود میهنز ابدال التواضخان الکلیسی جدید
الاسلام که سابقاً نایب باشی بانک شامشاهی و بعد از سلمان در وزارت
مالیه و پس از غرضی و رزی ابواء در اداره وکیل الزعایا بودم
استفاده بفرمایید جوان لایق است

سرتاسر سلطان پد رکوخته از سفارت عثمانی تلگرافی مفضل سه صبح در داد
خواهی و مرطوفات با نجنی و علماء و وثقه الاسلام و تجارت تبریز کرد. غید انم
چرا اینقسم تلگرافات مضمده نیز از تلگرافخانه محابره می شود و حال آنکه مرکز
داخل داخل در آزادی تلگرافات و مفاد است نیست

یک طلب علم است
بواند صاحب نظران حد از اعتدالین و طرقدار کاین
سابق اند و هر چه بدیشان بیاید با کمال اقتضای در حق کاین
حاضر می نویسند که جامع وقت را گفته اند و بیک در دنیا عکاف از دنیا را صبح بدو
کرده روزنامه غیبی که کورسک دارد
سرن مردم اخبار ادوات به کورسک دارد
دعاغه طلب فائق الغابین الله بیا پیش آمد یکی که در روزنامه از دنیا ملک عالمی می نمایند
از ابراهیم خرم و کنکری کنید